

ملاحظات، در نامه اعلیحضرت

به سران کشورهای ۱+۵

مفهوم سیاسی نامه

(۳)

امیر فیض - حقوقدان

در قسمت نخست^۱ این تحریر برداشت ظاهر و یا منطوقی از نامه رئیس شورا به سران کشورهای ۱+۵ مطرح شد و اکنون بنا بر قراری که در همان تحریر داشتیم به مفهوم وانگیزه نامه مزبور پرداخته میشود.

هماهنگی در قالب نامه

برداشت تطبیقی از نامه مزبور این است که نامه کاملاً در قالب تصمیمات کنگره و سنای آمریکا تهیه شده تازمینه جا انداختن خواسته های سنای آمریکا و بطور کلی سیاست کنگره آمریکا در ایجاد مشکل و جلوگیری از ایجاد امکانات برای برداشتن تحریم ها رافراهم سازد، اکنون به اتفاق به موارد مزبور مندرج در آن نامه پرداخته میشود.

کلید های اعتباری

نخستین کلید و یا عامل مهم وارزنده، موقعیت شخص رئیس شورای تجزیه طلبان («رضا پهلوی»!) است که میتوان آنرا به خلاصه زیرمورد استناد قرارداد:

۱. گرایش شخص رئیس شورا به سیاست آمریکا - در این مورد لازم نیست که معطل ماند شخص ایشان خودشان آنرا تائید فرموده اند.

سوال - شما شخص مستقلی نیستید وانگشت اتهام و وابستگی بیگانه بسوی شما کشیده شده است.

پاسخ اعلیحضرت - آنها کورخوانده اند، اگر اتهامی هست بر میگردد به همه ایرانیان که من بدون اتکای به آنها کاری نمیکنم. (مصاحبه در اطاق انجمن سخن ۲۰۱۲)

۲. موقعیت سنتی و تاریخی - موقعیت تاریخی و سنتی گرچه مورد استفاده رئیس شورا نیست، ولی اعتبار وجودی آنرا نمیتوان از طرف ثالث نادیده گرفت. همین اعتبار وجودی موقعیت تاریخی ایشان

^۱ - [http://1400years.org/AmirFeyz/MolahezatDarNamehRPbehSaran5and1\(1\)-AmirFeyz-18May2015.pdf](http://1400years.org/AmirFeyz/MolahezatDarNamehRPbehSaran5and1(1)-AmirFeyz-18May2015.pdf)

^(۲) [http://1400years.org/AmirFeyz/MolahezatDarNamehRPbehSaran5and1\(2\)-AmirFeyz-20May2015.pdf](http://1400years.org/AmirFeyz/MolahezatDarNamehRPbehSaran5and1(2)-AmirFeyz-20May2015.pdf)

و علیاحضرت بود که بقول خودشان ۲۰ هزار ایرانی قطعنامه تجزیه کشور را امضا کردند. آیا این کار از کس دیگری ممکن بود؟ مسلماً خیر. آیا کسی آن موقعیت را داشت که بگوید: **«هر که میخواهد بامن صحبت کند اول برود و قطعنامه شورا را امضا کند»**.

آیا کسی در خارج از کشور ویا حتی در داخل کشور به خود اجازه میداد که به مردم گرفتار به کرات بگوید کاری برای نجات کشور و خودتان نکنید تا من بشما بگویم که چه بکنید و چگونه بکنید؟

آیا هیچ ایرانی را در خارج از کشور سراغ دارید که گفته باشد؛ من با شخصیت های سیاسی و روسای کشورها دائم در تماسم؟

آیا هیچکس موقعیت رئیس شورا را در مصاحبه ها و آزادی گفتار و داشتن چاپلوسان، متملقین و پا اندازها (شهرام همایون، نازیلا گلستان، رضا پیرزاده...) را دارد؟

اینها و موارد مشابه کلیدها و علانمی هستند که خارجیان بخصوص آمریکانیها روی ایشان حساب ابزاری میکنند، یعنی ایشان را وسیله ای برای پیشبرد مقاصدشان میسازند که یکی از آن مقاصد همین مسئله مذاکرات هسته ای و تحریم ها و بطور کلی جانداختن سیاست طویل المدت آمریکا در ایران است.

واما محتوای نامه و خواست کنگره

دومین درخواست رئیس شورای تجزیه طلبان از سران کشورهای ۱+۵ پیوست و مربوط ساختن حقوق بشرو آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی، احترام و اجرای حقوق زنان، تضمین فعالیت های اتحادیه های کارگری، سازمان های غیردولتی، حق گرد همایی و آزادی رسانه ها و آزادی بیان و تحریم های مستقیم علیه مسئولین رژیم است. (از نامه ایشان)^۲

۲ - متن مفاد یک تا چهار از نامه اعلیحضرت به سران کشورها به اینجا آورده شده. اصل نامه در زیر بخش یک در آدرس زیرنویس شماره ۱ قابل دسترسی است: ح-ک

۱. درونمایه تمامی این مذاکرات و توافق ها، می بایست در دسترس مردم ایران قرار گیرد. از آن گذشته رژیم می بایست اجازه دهد که موسسه های نظرسنجی جهانی و رسانه های بین المللی، بدون هیچ قید و شرطی، به مردم ایران دسترسی داشته باشند تا بتوانند به نظرسنجی واقعی و تهیه گزارش بدون سانسور بپردازند.

۲. برداشته شدن تحریم ها می بایست به شرط پیشروی در احترام به حقوق بشر در ایران باشد :

موضوع حقوق بشر می بایست بخش جدانشدنی در روند مذاکرات باشد. برداشته شدن قرارداد تحریم ها که به صورت مستقیم به مسئولین رژیم سود می رساند، می بایست مشروط به آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی، احترام و اجرای حقوق زنان، تضمین فعالیت اتحادیه های کارگری، سازمان های غیر دولتی، حق گرد همایی و آزادی رسانه ها و آزادی بیان بشود.

۳. برداشته شدن تحریم ها و بازگرداندن پول به حکومت می بایست زیر نظارت کامل سازمان ملل و نهادهای مربوطه انجام شود.

تا بار دیگر این سرمایه های ملی به گروه های تروریستی در خارج از مرزهای ایران ارسال نشود. بنابراین جمهوری اسلامی، نیمی از ۹ میلیارد دلار آزاد شده برای پشتیبانی از حکومت بشاراسد به سوریه ارسال شده است .

۴. در نهایت، از نهادها و گروه های سکولار در منطقه می بایست پشتیبانی شود.

ملاحظه میکنید خواست نامه خیلی بیشتر از خواست کنگره آمریکا در رعایت حقوق بشر است درست مصداق <ازتوییک اشاره از من به سردویدن>.

نکته جالب در نامه مزبور این است که شرط رعایت حقوق بشر که از جانب کنگره آمریکا عنوان شده مربوط به تحریم های کنگره است نه تحریم های ناشی از قطعنامه های شورای امنیت، که اکنون در دستور ۱+۵ قرار دارد. اصرار در خدمت به خواست کنگره، جریان را به این شکل در آورده که به کسی گفتند: <بروکلاه بیاور و رفت و سر آورد>.

سنای آمریکا تنها آزادی سه آمریکایی را شرط انجام مذاکرات ۱+۵ با ایران دانست که دنیا به آن خندید و حتی همان دولت آمریکا هم به آن درخواست اهمیت نداد و مذاکرات بدون رعایت شرط مزبور در وین ادامه یافت؛ ولی اکنون می بینیم که در نامه رئیس همه موضوعاتی که هیچکدام ارتباطی به مذاکرات هسته ای که در چارچوب قطعنامه های شورای امنیت مقرر است، ندارد شرط برداشتن تحریم ها شده است.

(تنها موضوعی که در نامه رئیس از روسای کشورهای ۱+۵ خواسته نشده آزادی همجنس گرایی است)

چرا هیچیک از سناتورهای آمریکایی چنین طومار مفصلی از شرط و شروط را برای رفع تحریم های شورای امنیت ندادند؟ زیرا به درک مردم جهان و حفظ شخصیت و اعتبار خودشان آگاه و علاقمند بودند بدین جهت به سراغ رئیس شورای تجزیه طلبان و استفاده ابزاری از ایشان رفتند.

بهانه وارفته

بهانه وارفته به بهانه ای گفته میشود که قبلا عنوان و جواب رد و بی اعتباری آن داده شده و در واقع بیان کننده همان قضیه مختوم بهاست.

بهانه وارفته در نامه رئیس شورا آنجاست که بین تحریم های متوجه مسئولین جمهوری اسلامی و تحریم های تحمیلی بر مردم قائل به تفاوت شده است.

این تفاوت گذاری قبلا از سوی مقامات آمریکایی بصورت جامع مطرح و از ردیف بهانه ها خارج گردیده و مختوم بها شده است؛ به جریان کوتاه آن اشاره میشود.

روز ششم اکتبر سال ۲۰۱۲ خبری منتشر شد که آقای بان کی مون دبیرکل سازمان ملل، تحریم های یکطرفه آمریکا علیه ایران را به چالش کشید و آنها را غیرقانونی خواند و از فشار تحریم ها به مردم ایران ابراز ناراحتی کرد (مشروح اظهارات دبیرکل سازمان در تحریر فرصت طلایی)^۳

آمریکا در مقابل اعتراض دبیرکل ساکت نماند و مایکل پانز معاون وزارت خارجه آمریکا گفت <عده ای تحریم ها را سبب مشکلات و آسیب مردم میدانند من میگویم چنین سیاستی لازم است. تحریم ها در درجه نخست مردم عادی و طبقات ضعیف کشور را تحت فشار قرار میدهد اما چاره ای وجود ندارد و نمیتوان تحریم ها را چنان طراحی کرد که فقط مقامات کشور را هدف گیرد ما باید به ندای کسانی که در داخل کشور هستند

گوش بدهیم و از آنها الهام بگیریم. روشن است که گروهی از رهبران دمکرات، خواهان اعمال فشار از طریق تحریم ها هستند.

پاسخ معاون وزیر خارجه آمریکا به بان کی مون دلیل بر این است که نمیتوان بین تحریم های مستقیم بنام مسئولین کشور و تحریم های عمومی علیه ایران قائل به تفاوت شد و درخواست رئیس شورا >بهبانه وارفته و تکراری و مختوم بهاست<

سومین درخواست

نامه رئیس به آن سنگ اندازی سنگین که به آن اشاره رفت قناعت نکرده در فراز سوم درخواست، حکم داده که برداشتن تحریم ها و بازگرداندن پول به حکومت اسلامی بایستی زیر نظر سازمان ملل و نهاد های مربوطه انجام شود.

توضیح درباره مبنای تقاضا

تقاضا از یک شخص طبیعی بر مبنای کرامت است. تقاضا از دولت و یا شخصیت های حقوقی مانند سازمان ها و از جمله سازمان ملل بر اساس اختیار و حقی است که قانون و یا اساسنامه آن سازمان مقرر کرده است.

خارج از آن، درخواست و یا توقع از دولت ها و شخصیت های حقوقی، درخواست لغو و بی ثمر است و متقاضی اگر یک شخص عامی و بی اطلاع نباشد مسلما چنین درخواستی بمنظور اتلاف وقت و ایجاد درد سر و یا خود شیرینی است و الا هر کس میداند که نمیتواند از سازمان ملل مستقیما تقاضا کند تا چه رسد به تقاضایی که در منشور سازمان ملل قید نشده و اساسا سازمان ملل به نمایندگی دولت ها از ملتها عمل میکند نه ملتها بطور مستقیم.

درخواست رئیس شورای تجزیه طلبان از سازمان ملل در باب دخالت در پولی که ممکن است حق ایران شناخته شود به دلیل آنکه در منشور سازمان چنین تکلیف و قیدی برای سازمان وجود ندارد در درخواست لغو و بیهوده ای است.

نامه بعنوان روسای کشورهای ۱+۵ است ولی درخواست در نامه، از سازمان ملل متحد. عدم رعایت

ابتدائی ترین مبانی مکاتبات از سوی شورائی با آنهمه کپ کپه، نشان از خود شیرینی در جهت انتظارات

کنگره آمریکا و ایجاد درد سر برای رسیدن ایران به حقوق حقه خود است.

اساسا برای کس و ویاسازمانی که برای جمهوری اسلامی به اعتبار انقلاب ۵۷! قائل به مشروعیت است،

درخواست از سازمان ملل بر نظارت بروجوه متعلق به حکومت و یا نظارت بر برداشتن تحریم ها با

کار سیاسی اعتقادی منافات دارد. نمیشود هم به انقلاب! ۵۷ اعتبار و مشروعیت داد و هم حکومت برخاسته

از همان انقلاب! را بی اعتبار معرفی کرد.

اینها که عرض شد اصولی نیست که شورای تجزیه طلبان و رئیس آن نداند؛ موضوع شامل از هول حلیم دردیدگ افتادن است. موقعیت برای خودشرینی به حدی فراهم است که طرف بین آش و حلیم هم فرق نمیگذارد

شیطنت های خاص

درنامه مورد بحث شیطنت های خاصی که هرگز انتظار نبود دیده میشود؛ که لا تأسف مشترکمان به آن ها نگاه میکنیم:

۱- مرزها باید برداشته شود

نامه خطاب به سران کشورهای ۱+۵ نوشته: «ایرانیان که بمناسبت توافق لوزان شادی خیابانی داشتند شعار میدادند که «توافق بعدی حقوق شهروندی ماست - پیام ماروشنه مرزها باید برداشته شود»»

تعجب اینجاست با آنکه شادی خیابانی بمناسبت توافق لوزان دو روز بیشتر طول نکشید و شادی کنندگان دانستند که چه کلاهی بسرشان رفته و ساکت شدند معهذاً رئیس آن واقعه (فلان سربالا) رامتکای نامه خود قراردادده اند.

اما شیطنت به همینجا ختم نشده و درمیان نرخ گذاری موهوم، حساب مرزهای کشورهای کشورراهم رسیده است.

کی کجا شعار «مرزها باید برداشته شود» یک شعار ملی و همگانی شناخته شده است؟ تا آنجا که سابقه نشان میدهد دردوران جمهوری اسلامی غاصب محمد تقی مدرسی ساکن نجف گفته است «خوبست رواید بین ایران و عراق بمناسبت ایام عاشورا و اربعین برداشته شود، آنهم برای شهروندان کنار مرز».

این کجا و شعار مرزها باید برداشته شود کجا و تفاوت رواید با مرز کجا؟

حتی فرقه دمکرات آذربایجان و یا حزب توده شعار «مرزها باید برداشته شود» را نداشتند. کارزمینه

سازی تجزیه کشور برای شورا کم بود مرزها را هم مزاحم میدانند. آیا یک ایرانی وطن پرست ممکن

است نامه به سران کشورها بنویسد و مرزهای کشورش را مزاحم بداند و از آنها بخواد که حساب مرزهای

ایران رابرسند؟

واقعا مانده ام این مهملات بی سابقه راچه کسی دراین نامه پیاده کرده است، تنها مسئله مرزها نیست خواهید دید که چه شیطنت هائی دراین نامه بکاررفته و متقاضی آن اعلیحضرت معرفی شده است.^۴

آخر این شورای وامانده به مرزها چکاردارد؟ مگردراساسنامه اش آمده که ایران بدون مرز باشد؟

ما «گزشگران بدون مرز» شنیده ایم ولی «کشور بدون مرز» نشنیده بودیم که ایران دومی آن باشد. گفته اند که یک «سازمان جوانان بدون مرز» درکشورهای خارجی وجود دارد که معتقد به عدم وجود

^۴ - پرسش این است که چرا اعلیحضرت که دانای همه چیز هستند چنین نامه هایی را امضا و در سایت خود می گنجانند. ح-ک

مرز اخلاقی بین جوانان است تصور نمیکنم نظر رئیس از کشوری مرز همان جامعه بدون مرز اخلاقی باشد.

همچنین می شنویم که برای یک وجب از خاک کشوری یک قدم اینطرف و آنطرف مرزهای کهن کشورها چه خونها و فداکاری ها میشود، ولی بی غیرتی نسبت به آب و خاک کشورتاین حد! دیده نشده که کسانی پیشاپیش از خارجیان بخواهند که حساب مرزهای ایران را برسند این دیگر واقعا نوبر است.

جمهوری اسلامی که فلسفه مذهبی و دینی اش قائل به مرزین کشورهای مسلمان نیست از این فضولی ها نسبت به مرزهای ایران نکرده که این جوجه های از تخم شوراب بیرون آمده میکنند.

آیا همه مشکلات مملکت درست شده که مسئله مرزهای آن شمارا قلقلک میدهد؟ یک روز میخواهید وحدت و تمامیت ارضی ایران به فدراتیو تبدیل شود و امروز هم میخواهید کشورهای ۱+۵ مرزها را بردارند، آیا میدانید که این شعار تازه شورای ۲۰ هزار نفره تجزیه طلبان چقدر شیرین بدهان روسهاست و همواره سندی برای تحقق خواسته شوم آنها خواهد بود؟

کار سیاسی حکمتی و اصولی که نمیکنید هیچ، مدام هم به استقلال و تمامیت ارضی ایران یتیم و بی کس انگولک میکنید آخر چرا؟

خطاب به اعلیحضرت

در سال ۱۳۸۳ هنگامیکه موسسه آمریکائی نشنال جئوگرافیک، نام خلیج فارس را به خلیج عربی تغییر داد، اعلیحضرت تحمل این تغییر نام را در اطلس جهان نفرمودند و در ملاقات با رئیس نشنال جئوگرافیک و ابراز شخصیت نام خلیج فارس همچنان در اطلس باقی ماند، و سنگر هم در شماره اول بهمن ۸۳ به اعتبار اطلاعیه دبیرخانه نوشت:

((شادباش به رضاشاه دوم))

اعتراض گسترده ایرانیان به تغییر نام خلیج فارس در اطلس جهان خاصه ملاقات رضاشاه دوم با مدیر موسسه نشنال جئوگرافیک سبب گردید که نام خلیج فارس همچنان در اطلس جهان حفظ شود.

ما این پیروزی و موقع شناسی رضاشاه دوم را به معظم له شادباش میگوییم

سنگر))

چرا اعلیحضرت از سال ۸۳ تاکنون اینقدر تغییر کرده اند که در سال ۸۳ آنطور به تمامیت ارضی و حتی نام و میراثهای تاریخی ایران، مقید و حساس بودند و حالیه حتی اولین نفری باشند که بی علافگی خودشان و مردم تخیلی شان را به مرزهای کشور به روسای کشورهای جهان اعلام کنند.

آخر این حرکت زننده و نفرین ساز چه سودی بنفع آزادی و چه ارتباطی با انتخابات آزاد که هدف شورای شماس است دارد، بجز وحشت ایرانیان از حضور اعلیحضرت در مبارزه چه گره ای میکشاید؟

کشوری که هر طرف آنرا دشمنان تاریخی قسم خورده و منتظر بلعیدن پاره های ایران احاطه کرده اند چرا باید این سخنان از ناحیه شخص اعلیحضرت که خودتان میدانید تقرب خاص ملی دارید و بیگانگان هم میدانند اظهارات اعلیحضرت اعتبارسندی محکم دارد مطرح بشود؟

تصور نفرمائید یک اشاره گم و بی ارزش است، کلید های اعتباری که در ابتدای این تحریر بیان شد پشتوانه های سنگینی است که آنرا از اشاره های گم، به واقعیتی تلخ و تاریخی تبدیل میکند.

چرا باید این فاجعه با حرکت فکری و بیانی نماینده مظهر استقلال و تمامیت ارزی کشور که سوگند وفاداری به مرز و بوم کشوریاد کرده آغاز شود؟

آن کدام ناپاک و ردلی است که این نامه را نوشته و یا اعلیحضرت خوانده یا نخوانده به جریان

انداخته است؟؟ اینقدر بی حالی و به اعتنائی و اطمینان به کسانی که یک جو لیاقت و اطمینان ندارند، درست نیست نتیجه آن برباد دادن شخصیت و اعتبار و قبول بی اعتباری و خواری برای اعلیحضرت است. اعلیحضرت که در بیاناتشان دقت میفرمائید که کمتر گاف شود چرا این سند کتبی همراه این گاف بزرگ را بنام خودتان جهانی میفرمائید.

اگر اصرار در اصرار است که کمتر بیانات بفرمائید برای جلوگیری از همین گافها و سخنان نچندان لازم است، آنها کجا و چنین نامه ای را امضا کردن و فرستادن به کشورهای جهان کجا؟

که مراچیزی از زبان بجهد

سخنم شد بلند و میترسم

افسوس که در ادامه این رنجامه گرفتاریم.

چهارمین درخواست